



خبرنامه

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

دوره جدید، سال سوم، شماره بیست و دو، فروردین ۱۳۹۵

دیدار دکتر قبادی با وزیر علوم، تحقیقات و فناوری به مناسبت فرارسیدن سال نو
تقدیر دکتر فرهادی از «فعالیت بسیار گسترده و موفق پژوهشگاه در سال گذشته»
مراسم روز زن با عنوان «زن، معنویت و حکمت» در پژوهشگاه
برگزاری کرسی «روش‌شناسی نائینی به مثابه تولید اندیشه در جامعه ایرانی»
معرفی کتاب «افلاطونیان متأخر» از ادریوس تا ویکتور کوزن نوشته دکتر کریم مجتهدی
ارتقای ۲۵۱ پله‌ای وبسایت پژوهشگاه علوم انسانی در رتبه‌بندی وبومتریک برای سومین سال پیاپی
گزارشی از جلسات کرسی مطالعات قدرت نرم
بازدید دانشجویان سنگاپوری از پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
گزارشی از جلسات دوره آموزشی «درس‌گفتار رموز اشراقی شاهنامه»
گزارشی از جلسات نظام سیاسی اسلام
«شاخص شکنندگی دولت‌ها و رابطه آن با امنیت ملی»
«بررسی ابعاد سیاسی - اجتماعی اقتصاد مقاومتی»



دیدار دکتر قبادی با وزیر علوم، تحقیقات و فناوری

دکتر حسینعلی قبادی، سرپرست پژوهشگاه، در روزهای آغازین سال جدید، با دکتر محمد فرهادی دیدار کرد. در این دیدار، دکتر قبادی ضمن عرض تبریک سال نو و اعلام آمادگی پژوهشگاه برای انجام ماموریت‌های محوله برای تحقق اهداف علمی و پژوهشی دولت تدبیر و امید، گزارشی از فعالیت‌های صورت گرفته در پژوهشگاه در سال ۱۳۹۴ ارائه داد. دکتر فرهادی ضمن قدردانی و اظهار رضایت از اقدامات و پژوهش‌های صورت گرفته، بر ضرورت تثبیت موقعیت علوم انسانی در روند پیشرفت و اعتلای همه‌جانبه کشور تأکید و از رویکرد کاربردی پژوهشگاه و موفقیت‌های حاصله پژوهشگاه در این زمینه در دوره جدید ابراز مسرت کرد.

تقدیر دکتر فرهادی از «فعالیت بسیار گسترده و موفق پژوهشگاه در سال گذشته»

در پی ارائه گزارش عملکرد سال ۱۳۹۴ پژوهشگاه به وزیر علوم، تحقیقات و فناوری، ایشان ضمن تقدیر مکتوب از «فعالیت بسیار گسترده و موفق پژوهشگاه در طی سال گذشته» از «کسب رتبه بسیار خوب پژوهشی» این پژوهشگاه به نیکی یاد کرد و از دکتر قبادی و همکاران بدین مناسبت تشکر نمود.



دیدار نوروزی هیأت رئیسه پژوهشگاه با اعضای هیأت علمی، کارکنان و کارمندان



مراسم روز زن با عنوان «زن، معنویت و حکمت» برگزار شد

«دائوی اسلام» بر این عقیده است که جهان‌بینی اسلامی باید احیاء شود.

مترجم کتاب «دائوی اسلام» با اشاره به پایبندی مؤلف کتاب به اصول و سنت‌های حکمی اسلام گفت: بازگشت به سنت حکمی اسلام پیام مهم این اثر است. از منظر این پژوهشگر ژاپنی دغدغه اساسی در سنت اسلامی این موضوع است که انسان چیست؟ بعد از پاسخگویی به این پرسش است که می‌توان به مسایل دیگر پاسخ داد. مؤلف کتاب «دائوی اسلام» در اثر خود به شبهات پاسخ قطعی نداده بلکه فضا و بستری را برای خواننده فراهم می‌آورد که خود به استدلال در این موضوع دست یابد.

در ادامه این مراسم دکتر مریم صانع‌پور، مدیر پژوهشکده مطالعات زنان پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در سخنانی به تبیین مبانی حکمی خطبه‌های حضرت زهرا (س) پرداخت. وی با بیان اینکه حضرت محمد (ص) فاطمه را پاره تن و روح خود نامیده است، گفت: حضرت رسول دختر گرامی خود را روح محمدی می‌نامد زیرا حضرت رسول (ص) خود عقل اول است.

وی با بیان اینکه هانری کربن به عنوان یکی از اسلام‌شناسان و فیلسوفان فرانسوی در کتاب «ارض ملکوت» به واکاوی شخصیت زهرا (س) پرداخته است، گفت: هانری کربن اعتقاد دارد حضرت فاطمه (س) «سوفیا» است یعنی دارای عقل و قدرت الهی است که همه عالم را درمی‌یابد و آن را نور باران می‌کند. به اعتقاد کربن اگر منشأ اخلاق فاطمی نبود ناشناخته‌ها برای همیشه در پرده غیب باقی می‌ماند. اصلی‌ترین نقش الگویی حضرت زهرا (س) نه فقط برای زنان بلکه برای همه انسان‌ها است زیرا الگوهای متعالی جنسیتی نیستند.

مدیر پژوهشکده مطالعات زنان با بیان اینکه اصلی‌ترین نقش حضرت زهرا (س) نقش عقلانی ایشان است، اظهار کرد: حضرت فاطمه (س) مظهر عقل و خردورزی است. زیرا پیامبری که مصداق عقل اول است ایشان را «ام‌البیها» نامیده است. وی مادر امامانی است که همه وارث شجره آگاهی‌بخش انبیاء هستند. حضرت زهرا در اسلامی که در کنار قرآن به عنوان منشور نظری دیده می‌شود الگوی عملی انسان‌هاست.

صانع‌پور ادامه داد: سخنانی که در خطبه‌های حضرت زهرا دیده می‌شود عنصری برای آگاهی‌بخشی است زیرا این

مراسم روز زن با عنوان «زن، معنویت و حکمت» روز شنبه ۲۱ فروردین ماه با سخنرانی زهرا کاظمی، مترجم و پژوهشگر، دکتر مریم صانع‌پور، مدیر گروه پژوهشکده مطالعات زنان پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و با حضور جمعی از علاقه‌مندان در محل پژوهشگاه برگزار شد.

در ابتدای مراسم زهرا کاظمی مترجم و پژوهشگر گفت: کتاب «دائوی اسلام» اثر خانم مارتا مؤلف ژاپنی‌الاصل، است که در ایران دکترای ادبیات فارسی و سپس کارشناسی ارشد در رشته فقه و الهیات را دریافت کرد. وی در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود به ازدواج موقت و بررسی این پدیده در شاخه‌های فقهی پرداخته است.

این مترجم اظهار کرد: وی در دوره تحصیلات خود با بسیاری از نمایندگان سنت حکمی اسلام آشنا شد و سپس با «ویلیام چیتیک» از پژوهشگران و اسلام‌شناسان ازدواج کرد و راهی آمریکا شد. وی در آمریکا نخستین بار درس «معنویت زنان در ادیان جهان» با دیدگاه شرق دور و با تأسی بر کتاب «ایچینگ» را تدریس کرد. کتاب «دائوی اسلام» حاصل درسگفتارهای این پژوهشگر ژاپنی است که در سال ۱۳۹۲ منتشر شده است.

کاظمی با بیان اینکه کتاب «دائوی اسلام» سرشار از نقل قول‌های نماینده‌های سنت حکمی است، افزود: این پژوهشگر در کتاب خود از عرفان عملی، نظری و نقل قول‌های ابن‌عربی و شاگردان وی و همچنین از کتاب «فتوحات» و «فصوص الحکم» ابن‌عربی استفاده شایان توجهی کرده است.

وی با طرح این پرسش که این اثر می‌تواند یک کار تطبیقی بین فلسفه چین و فلسفه اسلامی باشد؟ گفت: قصد خانم مارتا این تطبیق نبوده است بلکه وی می‌خواهد در اثر خود مفاهیم اصلی مکتب دائو و مفاهیم سنت اسلامی را توضیح دهد. کتاب حاضر در ۰۱ فصل سه بخشی با عناوین الهیات، جهان‌شناسی و علم‌النفس تالیف شده است.

این پژوهشگر ادامه داد: پرداختن به مسائل و معضلات زنان و جامعه کنونی باید از این منظر صورت بگیرد که از حقیقت زنانگی و مردانگی دور نشویم. چنان‌چه برخی از فمینیست‌ها بر این عقیده هستند که رویکرد متداول در پاسخگویی به معضلات پیش آمده در جامعه اسلامی را باید از منظر غربی پاسخ داد. در صورتی که مؤلف کتاب



بانوی گرامی اسلام در خطبه‌های خود «عقل» را سرچشمه فرمایشات خود قرار می‌دهد و اعتقاد دارد که تعبد بدون تعقل امری بی‌ارزش است. ایشان در خطبه خود که در میان مهاجران انصار ایراد فرمودند ابتدا به فرآیند وجودی پرداخته و سپس ارتباط موجودات را با مبدأ تعالی‌بخش بیان کردند. ایشان در یک فرایند معرفتی به مبدأ وجود که همان «الله» است اشاره می‌کنند.

وی با اشاره به اینکه حضرت زهرا (س) در ادامه خطبه خود با عباراتی متقن و مستدل به سیر قدرت رحمانی خداوند می‌پردازد، گفت: حضرت زهرا (س) به خوبی عقل حضوری و عقل حصولی را ترسیم می‌کند و میان عالم قضای الهی و عالم مغرورات انسانی پیوند ایجاد می‌کند. این مراسم با شعرخوانی دکتر فاطمه راکعی ادامه یافت.



برگزاری کرسی «روش‌شناسی نائینی به مثابه تولید اندیشه در جامعه ایرانی»

با بهره‌گیری از اصول فقه توانسته از نائینی، الگویی برای تولید اندیشه در ایران بسازد. کتاب «تنبيه‌الامه» نیز به خوبی توانسته است آرای نائینی درباره آزادی، مساوات و حکومت را که همگی دارای مستندات اسلامی و دینی است در اختیار خوانندگان و علمای حکومتی قرار دهد.

مستندات دینی در کتاب «تنبيه‌الامه»

دکتر حسنی‌فر با بیان اینکه نائینی بازتولیدکننده اندیشه جدید از منظر دینی در حوزه سیاست است، افزود: علامه نائینی با استفاده از مستندات قرآنی توانسته به این اندیشه جدید دست یابد. نواندیشی دینی در عین پایبندی وی به حوزه سنت از دیگر ویژگی‌های علامه نائینی است. البته می‌توان پایبندی به سنت نزد علامه نائینی را از بعد منفی نیز ارزیابی کرد زیرا «سنت» امری سخت و ریشه‌دار است و به راحتی دستخوش تغییر نمی‌شود.

این پژوهشگر حوزه علوم انسانی ادامه داد: تولید اندیشه در حوزه علوم انسانی امری مشکل و پیچیده است و این امر هر روزه با پیچیدگی‌های مضاعفی روبه‌رو می‌شود به همین دلیل به نظر می‌رسد فهم کار نائینی در وضعیت کنونی، به متفکران ساز و کار تولید اندیشه دینی را یاد می‌دهد.

«تجدد» در جامعه ایران از منظر فکری و اندیشه و نظری حل نشده است.

حسنی‌فر در ادامه این نشست، ایران را کشوری در حال انتقال و توزیع اندیشه و نه مصرف و تولید اندیشه دانست و ادامه داد. متأسفانه در فضای فقدان پارادایم به سر می‌بریم: سه رویکرد غرب‌گرایی، غرب‌ستیزی، تجددگرایی یا نواندیشی هم‌اکنون از جمله گفتمان‌هایی است که در جامعه ایران به چشم می‌خورد. هرکدام از این رویکردها نیز پیروانی اعم از مذهبی و سکولار دارد. در کل باید بگوییم مساله تجدد در جامعه کنونی ما مسئله‌ای جدی است که متأسفانه هنوز از منظر فکری و اندیشه‌ای حل نشده است. البته این به معنای فقدان تحرک و فعالیت در فضا و داشتن زندگی متجددانه نیست. ما در فضای تجدد هستیم اما در چالش نظری و فکری با آن. به دلیل همین بسیاری ما را در وضعیت گذار قلمداد می‌کنند.

وی درباره دلیل انتخاب علامه نائینی به عنوان الگوی ایده‌آل در اندیشه‌ورزی گفت: نائینی متفکر دوره مشروطه

دفتر کرسی‌های نقد، نظریه‌پردازی و آزاداندیشی، کرسی «روش‌شناسی نائینی به مثابه تولید اندیشه در جامعه ایرانی» روز سه‌شنبه ۱۷ فروردین‌ماه با سخنرانی دکتر عبدالرحمن حسنی‌فر، دکتر محمدرضا احمدی طباطبایی، دکتر علیرضا ملایی‌توانی و با حضور دکتر کریم مجتهدی و جمعی از علاقه‌مندان در سالن اندیشه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار کرد.

علامه نائینی و شاخصه‌های تولید اندیشه

دکتر حسنی‌فر گفت: نائینی در کتاب «تنبيه‌الامه» توانسته اصول مشروطیت را از شریعت شیعی استخراج کند. ملامحمد مازندرانی نیز در آثار خود اذعان می‌کند که نائینی در این کتاب توانسته اصول و مبانی سیاسی را از مستندات اسلام استخراج کند و آن را در اختیار علاقه‌مندان به این مباحث قرار دهد. آیت‌الله طالقانی نیز از جمله نائینی‌پژوهانی است که در سال ۱۳۳۴ بر کتاب «تنبيه‌الامه» نائینی حاشیه نوشت. وی در این حاشیه‌نگاری خود نکاتی را درباره استخراج برخی اصول از سوی نائینی برای خوانندگان تشریح کرده است. از منظر مرحوم آیت‌الله طالقانی «تنبيه‌الامه» موفق شده است اصول سیاسی و اجتماعی را از اسلام استخراج کرده و مبانی آن را در اختیار علاقه‌مندان قرار دهد.

این سخنران با اشاره به اینکه علامه نائینی جزو فقه‌های «اصولی» است، اظهار کرد: در مکتب اصولی اولویت با عقل است یعنی تمیزدادن برخی مباحث در شریعت و روشن‌شدن حجیت آن در اختیار «عقل» قرار می‌گیرد. نائینی به عنوان یک فقیه «اصولی» به مباحثی درباره ایمان به عقل و ضرورت اجتهاد پرداخته است. همان‌طور که می‌دانید ممیزه پیروان مکتب «اصولی» این است که شریعت ابتدا از طریق رسول ظاهری (قرآن و سنت) و سپس از طریق رسول باطنی (عقل) تمیز داده می‌شود که البته در میان «اصولیون» قسم دوم (رسول باطنی) در مواقع تردید از اهمیت بیشتری برخوردار است.

وی با طرح این سوال که نائینی را با چه شاخصه‌هایی می‌توان به عنوان الگو برای تولید اندیشه به شمار آورد، اظهار کرد: بهره‌گیری نائینی از منبع «عقل»، توجه به منابع دینی، توجه به زمان و مکان (یعنی داشتن اجتهاد پویا) و بهره‌گیری وی از تاریخ و همچنین توجه به عرف

شده و به دلیل اشراف علامه نائینی به مرجعیت دینی و قواعد اصول نگاشته شده است. به نظر می‌رسد تفکر علامه نائینی در کشور ما در محاق قرار دارد.

آیا «تجدد» ریشه در «سنت» دارد؟

این کرسی با سخنرانی دکتر علیرضا مولایی توانی ادامه یافت. وی به بحث دکتر حسنی‌فر درباره روش‌شناسی نائینی اشاره کرد و گفت: در تحلیل بحث روش‌شناسی علامه نائینی باید گونه‌شناسی فکری خاصی صورت بگیرد به عبارتی باید به این نکته توجه کنیم که نائینی در کدامیک از گفتمان‌های فکری جامعه ایرانی جای می‌گیرد زیرا پیش و پس از نائینی جریان‌های بسیاری در کشورمان وجود داشته است. به همین دلیل باید گونه‌شناسی دقیقی از تفکر علامه نائینی داشته باشیم. وی با طرح این سوال که آیا باید روش نائینی را مبنی بر اینکه تجدد ریشه در سنت دارد بپذیریم؟ اظهار کرد: به نظر من نمی‌توان به صورت مطلق این نظر نائینی را پذیرفت زیرا جامعه ما هنوز در حال گذار است. نائینی تجربه زیستی و عملی در دنیای جدید نداشته و متون اصلی متفکران مدرنیته را نیز نخوانده تا بتواند تصویری درست از تجدد ارائه بدهد.

است که به تولید اندیشه نیز دست زده است؛ به عبارتی نائینی اندیشمندی دینی است که در گفتمان دینی به تولید اندیشه دست زده و به «عقل» و نیاز و نظر زمانه بهای مضاعفی داده و جزو نخستین متفکران نواندیشی است که به قانون، آزادی و عدالت از منظری جدید نگاه می‌کند.

نائینی، در ردیف مرجعیت دینی نجف قرار دارد

دکتر محمدرضا احمدی طباطبایی در ادامه کرسی با اشاره به جایگاه علامه نائینی در بین متفکران دینی گفت: نائینی در ردیف مرجعیت دینی و علمی نجف قرار دارد همان‌طور که می‌دانید «مکتب سیاسی نجف» ویژگی‌های خودش را دارد در آن مکتب آزادی و آزاداندیشی به نحوی دیگر تعریف شده است. علامه نائینی براساس آموزه‌های شیعی توانست حکومتی ایده‌آل را تصویر کند هرچند که وی حکومت مشروطه را ایده‌آل نمی‌داند بلکه حکومت مطلوب شیعه را در ظهور امام زمان (عج) ارزیابی کرده اما در کتاب «تنبيه‌الامه» به این موضوع اذعان دارد که وقتی دست ما از معصوم و اهل بیت (ع) کوتاه است باید به آنچه که وجود دارد قانع باشیم.

وی ادامه داد: کتاب «تنبيه‌الامه» کمتر از صد صفحه است در یک مقدمه هفت فصل و یک نتیجه‌گیری تعریف



معرفی کتاب: افلاطونیان متأخر

از ادریوس تا ویکتور کوزن نوشته دکتر کریم مجتهدی

گمان می‌کنم ذکر همین تجربه شخصی برای نشان دادن اهمیت شناخت جریان‌های نوافلاطونی و افلاطونی کفایت کند. شناخت این جریان صرفاً باستان‌شناسی نیست، بلکه تا حدی شناخت اکنون و آینده هم هست. آخرین کتاب استاد گرامی، جناب آقای دکتر کریم مجتهدی، اثری است برای آشنایی با جریان‌های افلاطونی و نوافلاطونی و شناخت برخی چهره‌های مهم در این حوزه و مشاهده روند پر فراز و نشیب این ماجرای فکری - فلسفی در طول تاریخ.

افلاطونیان متأخر: از ادریوس تا ویکتور کوزن در دو بخش عمده تدوین شده است. بخش اول و مفصل‌تر شامل فصولی است درباره شخصیت‌های نامدار افلاطونی و نوافلاطونی در روزگاران متقدم‌تر، از اندکی پیش از میلاد مسیح تا پانصدسالی پس از میلاد. بخش دوم و مختصرتر دربردارنده مطالبی است از قرن پنج و شش میلادی تا قرن نوزدهم.

بخش نخست با فصلی درباره ادریوس اهل اسکندریه و نومنیوس اهل آپامه آغاز می‌شود و با فصلی درباره آمونیاس ساکاس ادامه می‌یابد. سپس بحث مفصلی می‌آید درباره افلوپتین و نظام فکری او که در آن نظریه صدور محوریت دارد. افلوپتین شاگرد آمونیاس ساکاس بوده است و استاد فروریوس. بنابراین در ادامه این فصول بخشی هم به فروریوس اختصاص یافته است که برای اهل منطق به عنوان نویسنده ایساغوجی شناخته شده است و تدوین‌کننده تاسوعات افلوپتین نیز بوده است. پس از فروریوس از متفکر مشهور دیگر جاملیک / یامبلیخوس سخن گفته شده است که در اندیشه او جنبه‌های فیثاغورسی و غنوصی برجستگی بیشتری یافته است. سپس بخش مفصلی از کتاب (بیش از صد و شصت صفحه) به بحث در مورد ابرقلس (پروکلس) اختصاص پیدا کرده است. این بخش را احتمالاً می‌توان مفصل‌ترین تکنگاری در زبان فارسی درباره این متفکر به لحاظ تاریخی بسیار بااهمیت دانست که مفسر آثار افلاطون بر اساس رویکردهای فکری خود بوده است. در ادامه این بخش مفصل، گزارش مجملی از زندگی و افکار داماسکیوس آمده است. او از جمله فلاسفهای است که در زمان خسرو انوشیروان به ایران پناه آورده بوده‌اند و

مشهور است که آلفرد نورث وایتهد، فیلسوف نامدار انگلیسی، گفته است همه تاریخ فلسفه چیزی نیست جز حاشیه‌ای بر فلسفه افلاطون. این گفته مسلماً اغراقی غلوآمیز است، اما این اغراق و غلو حاکی از حقیقتی هم هست؛ اهمیت بی‌نظیر اندیشه افلاطون در طول تاریخ فلسفه. هیچ فیلسوفی نمی‌تواند به آثار افلاطون و میراث فلسفه افلاطونی بی‌اعتنا باشد. از ابتدای تاریخ فلسفه تا امروز فلاسفه به صراحت یا به صورت تلویحی در حال گفتگوی همدلانه یا انتقادی با افلاطون بوده‌اند، از ارسطو تا مثلاً ژاک دریدا. علاوه بر این فلسفه افلاطونی در پیوند با گرایش‌های غنوصی سرچشمه یکی از جریان‌های فلسفی مهم و موثر در تاریخ فلسفه بوده است، جریانی که می‌توان آن را براساس اصطلاحی متأخر و متداول از قرن هجدهم جریان نوافلاطونی نامید.

در اهمیت این جریان و لزوم شناخت آن همین بس که با اندکی مسامحه فلسفه اسلامی را از فارابی تا ملاصدرا با همه اهمیت و تنوع‌اش می‌توان یکی از شاخه‌های این جریان دانست، همچنانکه فلسفه قرون وسطای مسیحی نیز کم و بیش مشمول همین حکم است.

در ایام دانشجویی‌ام تصمیم گرفته بودم برای هر درسی حتی‌المقدور آثار اصلی را هم بخوانم. در دوره کارشناسی ارشد درسی داشتیم درباره افلوپتین. به روال تعریف شده به سراغ آثار اصلی خود فیلسوف رفتیم و شروع کردم به خواندن مجموعه آثار افلوپتین و به عبارت دیگر تاسوعات. نتیجه شگفت‌زدگی بود. در تمام زندگی‌ام کتابی به این آشنایی نخوانده بودم. برخی قسمت‌هایش مرا به یاد کتاب دینی‌های مدرسه می‌انداخت و استدلال‌ها و ملاحظات معلم‌ان. این تجربه را نه با خود افلاطون داشتم نه با ارسطو. خواندن آنها خواندن کتاب‌هایی مهم و تأمل‌برانگیز بود اما این آشنایی و قرابت غریب را فقط هنگام خواندن افلوپتین تجربه کردم و دریافتم فلسفه نوافلاطونی آنقدر زنده مانده است که حتی بخشی از تجربه ذهنی و فکری من و امثال مرا در این روزگار شکل داده باشد. تربیت فکری و دینی من به واسطه فلسفه و کلام اسلامی متأخر به وضوح نوافلاطونی بود، هرچند آثار افلوپتین را تا پیش از دوره کارشناسی ارشد نخوانده بودم.

دیدار نوروزی



زندگی او از این جهت نیز برای ما ایرانیان جالب توجه است. قسمت انتهایی بخش نخست بحثی است درباره تقابل و تعامل سنت‌های فکری افلاطونی با مسیحیت که رفته رفته در امپراطوری رومی استقرار و تفوق می‌یابد؛ نظام فکری مسیحیت با اندیشه نوافلاطونی تعامل داشته (که نمونه بارز این تعامل مثلاً بخش‌هایی از انجیل یوحناست) و از سوی دیگر میانشان رقابتی سخت و تقابلی چشمگیر برقرار بوده است.

بخش دوم با بحثی درباره بوئسیوس نویسنده کتاب مشهور «تسلای فلسفه» آغاز می‌شود و با گزارشی تاریخی ادامه پیدا می‌کند در مورد نهضت سیاسی - فرهنگی شارلمانی، نهضت فرهنگی کارولنژین و اشخاصی مانند آلکویین اهل یورک، رابن مور، ژان اسکوت اریژن (که درباره او و از جمله نسبت فلسفه‌اش با فلسفه ابن‌سینا در کتاب نسبتاً با تفصیل بیشتر بحث شده) و مارگریت پورت. سپس فصلی آمده است تحت عنوان «نگاهی اجمالی به سیر تحولی افکار افلاطونیان متأخر در جهان غرب تا عصر حاضر» و در آن مختصراً از پسلوس، مدرسان مکتب شارتر (فولبر، ایو شارتر، ژیلبر لاپوره، تیاری شارتر، گیوم کونش، ژان سالزبوری، برنار سیلوستر)، گروس‌تست، مایستر اکهارت، افلاطونیان فلورانس (لورنزو والا، گمیستوس پلتون، فیچینو)، شارل بویه، فرانسیسکو پاتریزی، افلاطونیان کمبریج (بنجامین ویچکوت، رالف کودورث، هانری مور)، شلایرماخر، و بالاخره ویکتور کوزن سخن گفته شده است.

کتاب به روال دیگر کتابهای آقای دکتر کریم مجتهدی مقدمه و مؤخره‌ای هم دارد تحت عنوان‌های «سخنی کوتاه با خوانندگان» و «چند نکته پایانی» که هر دو خواندنی است و آموزنده.

نوشتن چنین کتابی با نام‌های فراوان و جزئیات تخصصی قاعدتاً کاری طاقت‌فرسا بوده است. به استاد ارجمندم آقای دکتر مجتهدی صمیمانه خسته نباشید می‌گوییم و به خوانندگان علاقه‌مند به تاریخ اندیشه‌ها در غرب و نیز علاقه‌مندان به پژوهش در تاریخ اندیشه‌های اسلامی مراجعه به این کتاب را پیشنهاد می‌کنم، برای گروه اول آشنایی با موضوع ضروری است و برای گروه دوم بصیرت‌بخش و راهگشا.

محمد منصور هاشمی - بنیاد دایره المعارف اسلامی

ارتقای ۲۵۱ پله‌ای وب‌سایت پژوهشگاه علوم انسانی در رتبه‌بندی وبومتریک برای سومین سال پیاپی؛ رتبه نخست در ایران و سوم در خاورمیانه

وب‌سایت پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در آخرین رتبه‌بندی وب‌سایت‌های مؤسسات و مراکز پژوهشی (وبومتریک) - در نسخه‌ی جدید ژانویه ۲۰۱۶- توانست، برای سومین سال پیاپی رتبه نخست برترین وب‌سایت مراکز و مؤسسات پژوهشی ایران را به خود اختصاص دهد. در آخرین رتبه‌بندی انجام شده توسط گروه پژوهشی سنج‌های مجازی (CSIC)، وب‌سایت پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی که سال گذشته در رده ۴۶۵ دنیا قرار، با ۲۵۱ پله صعود به جایگاه ۲۱۴ صعود نموده که هم‌اکنون در بین وب‌سایت‌های مراکز پژوهشی ایرانی در رتبه نخست و در میان مراکز و مؤسسات پژوهشی کشورهای خاورمیانه نیز در رتبه سوم ایستاده است.

گزارشی از جلسات کرسی مطالعات قدرت نرم با موضوع «ریشه‌ها و منابع قدرت نرم در سیاست خارجی چین»

در ادامه جلسه دکتر مجتبی قلی‌پور با بیان تأثیر قطبی شدن بر امنیت اجتماعی به تبیین زمینه‌های تهدیدات امنیتی در یک جامعه قطبی شده پرداخته و تقسیم نظام اجتماعی به دو قطب به نحوی که شکاف‌های متعدد اجتماعی بر آن بار شوند را مهمترین خطر برای امنیت یک نظام اجتماعی دانسته و وجود یک دولت سوگیر را عاملی در تشدید و تعمیق این بحران دانستند؛ به این معنا که اگر نظام سیاسی به مثابه طرفدار یکی از قطب‌ها وارد صحنه اجتماعی و فرهنگی شود نه تنها به بهبود اوضاع کمک نخواهد کرد بلکه روند قطبی شدن را به سویه‌ای خطرناک خواهد کشانید که رفع آن باید در اولویت سیاست‌سازی و سیاست‌گذاری کلان کشور قرار گیرد. در ادامه مباحثی پیرامون وجود چنین قطب‌بندی و تأثیر آن بر امنیت اجتماعی از سوی شرکت‌کنندگان مطرح و مورد نقد و بررسی قرار گرفت.

فرهنگی مانند مکتب کنفوسیوسی، تأثیری و آموزه‌های استراتژیک از قبیل نظریه‌های سان‌تزو را مواردی مهم برای ارتقای قدرت نرم چین دانسته و در عین حال به مواردی مانند ناسیونالیسم خود ا تکایی، فضای بسته سیاسی و ضعف جامعه مدنی به مثابه محدودیت‌هایی در این مسیر اشاره کردند. در ادامه اعضای کرسی پیرامون امکان یا امتناع این قدرت نرم مباحث و انتقاداتی را مطرح کرده و با اشاره به آنکه در ادبیات نظری مربوط به قدرت نرم متفکرینی مانند جوزف نای و رابرت کوهن منبع اصلی قدرت نرم را جامعه و نه نظام سیاسی برمی‌شمردند، در امکان تکوین و تعمیق چنین قدرت نرمی تشکیک کرده و وجود یک دولت مالک‌الرقاب و تمرکزگرا، مشکلات و مضایق زبان چینی، نگاه دوگانه به آموزه‌های کنفوسیوسی و ضعف این کشور در زمینه صنعت فرهنگی را مانعی جدی در این مسیر دانستند.

کرسی مطالعات قدرت نرم که با حضور دکتر محمد علی مینایی، مدیر گروه پژوهشی جامعه و امنیت، دکتر قدیر نصری، دبیر کرسی مطالعات راهبردی امنیت اجتماعی و اعضای اصلی کرسی برگزار شد، دکتر قنبرلو با اشاره به نظرات متفاوت در باب قدرت نرم چین این نظرات را منقسم بر سه قسم دانستند؛ ۱- نظراتی که وجود قدرت نرم چین را اساساً نفی می‌کنند، ۲- نظراتی که چین را دارای قدرت نرم معتنا بهی می‌دانند و ۳- نظراتی که چین را در مسیر افزایش قدرت نرم احصاء می‌کنند. ایشان در ادامه با تأکید بر وجود قدرت نرم چینی وجود نشانه‌هایی از قبیل تعمیق الگوی توسعه دولت‌گرای چینی موسوم به اجماع پکن را در همین راستا ارزیابی کردند و از تلاش‌های دولت چین در راستای تأسیس مراکز فرهنگی کنفوسیوس در اقصی نقاط جهان، گسترش آموزش ادبیات و زبان ماندارین چینی سخن گفتند. ایشان وجود منابع

بازدید دانشجویان سنگاپوری از پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

«دین و اگزیستانسیالیسم» یا «دین در مقابل بی‌دینی» سخنرانی کرد که بسیار مورد توجه حاضرین قرار گرفت. وی گفت: ما بیشتر وقت‌ها از دین و اسلام صحبت می‌کنیم اما معنی واضح این دو اصطلاح را نمی‌دانیم و وقتی از دین و اسلام حرف می‌زنیم معلوم نیست از چه می‌گوئیم.

عبدالکریمی در ادامه سخنرانی‌اش توضیح داد: هفت تلقی از دین و اسلام وجود دارد که عبارتند از: اسلام به‌عنوان فرهنگ، اسلام به‌عنوان یک سیستم تئولوژیک، اسلام به‌مثابه و به‌عنوان مراسم مذهبی، اسلام به‌عنوان یک نظام اخلاقی، اسلام به‌عنوان ابژه، اسلام به‌عنوان یک ایدئولوژی و اسلام به‌عنوان امکان وجودی انسان. وی در ادامه به تشریح هر کدام از این معانی پرداخت.

پس از سخنرانی عبدالکریمی، پرسش و پاسخ میان دانشجویان و اساتید حاضر در جلسه برگزار شد. در این بخش با اینکه اغلب دانشجویان حاضر، تحصیل کرده رشته‌های فنی بودند و تعداد کمی دانشجوی رشته جامعه‌شناسی حضور داشت سؤال‌های بسیار عمیق و دقیقی مطرح شد و این بخش بسیار مورد استقبال دانشجویان قرار گرفت.

در طی این بخش از مراسم، پرسش و پاسخ چالش برانگیزی هم میان العطاس و عبدالکریمی صورت گرفت. به عقیده العطاس همه جوامع امروزی ایدئولوژیک هستند ولی به عقیده بیژن عبدالکریمی چیزی که امروز از آن به عنوان ایدئولوژی یاد می‌شود با روح دین فاصله دارد.

صبح روز، سه‌شنبه چهارم اسفندماه، نشست صمیمانه‌ای بین دانشجویان دانشگاه ملی سنگاپور و چند نفر از اساتید پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد. در این نشست، دانشجویانی در مقطع لیسانس و فوق‌لیسانس با رشته‌های تحصیلی چون ارتباطات و رسانه، تاریخ، حقوق، جامعه‌شناسی، هنر، صنایع، طراحی صنعتی، علوم سیاسی، اقتصاد و مطالعات مالزی حضور داشتند.

در این نشست اساتیدی چون بیوک محمدی، بیژن عبدالکریمی و سیدجواد میری حضور داشتند و هرکدام به صورت مختصر سخنرانی کردند. همچنین تعدادی از دانشجویان دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران در این نشست، دانشجویان را همراهی می‌کردند.

بیوک محمدی، دانشیار پژوهشی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در ابتدای این جلسه درخصوص ادبیات کلاسیک ایران سخنرانی و داستان کوتاهی از مولانا با این مضمون که همه مشکلات ما و جامعه به خودمان برمی‌گردد برای حاضرین نقل کرد.

وی همچنین با خواندن این شعر صائب: «بی قدر ساخت خود را، نخوت فزود ما را، بر ما و خود ستم کرد هر کس ستود ما را» توضیح داد: توجه به یکدیگر خوب است ولی حد و اندازه دارد، باید دقت کنیم این توجه و خودستایی از حد و اندازه نگذرد، در مورد مسائل علمی هم اینکه فکر کنیم ما در همه رشته‌ها بهترینیم ادعای گزافه‌ای است.

در ادامه این نشست عبدالکریمی، دانشیار گروه فلسفه دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال درباره موضوع



گزارشی از جلسات دوره آموزشی «درس گفتار رموز اشراقی شاهنامه»

جلسه هفتم

هفتمین جلسه دوره آموزشی «درس گفتار رموز اشراقی شاهنامه» توسط دکتر بابک عالیخانی در ساختمان فرهنگ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد. در ادامه گزارشی از این جلسه آمده است.

اگر سیاوش از بودنی‌ها باخبر بود چرا درباره اقامت در توران با پیران مشورت کرد؟

گرایدونک با من تو پیمان کنی شناسم که پیمان من نشکنی گر از بودن ایدر مرا نیکویی است بر این کرده خود نباید گریست و گر نیست فرمای تا بگذرم نمایی ره کشوری دیگر پاسخ این است که آگاهی از رازهای روزگار با مشورت تعارض ندارد، چون مشورت گاه از روی ادب و فروتنی است. پیران نیز درباره ایزدی بودن بالقوه افراسیاب اشتباه نمی‌کرد و به‌خوبی دانسته بود که مصاحبت با سیاوش چهره انسانی افراسیاب را از ورای توده‌های تاریکی نمایان خواهد ساخت. درباره وفاداری خود نیز دروغ نگفت؛ چه تا آخرین لحظه بر سر پیمان خود بود و هرگز عهد خود را با سیاوش نشکست. آنچه پیران نمی‌دانست (و سیاوش می‌دانست و نمی‌گفت) تأثیر سوء برادر افراسیاب بود که از حسد نشأت می‌گرفت.

سیاوش و پیران به بهشت‌کنگ رسیدند که «خرم سرای درنگ» بود. کنگ‌دژ، نام شهری است که سیاوش در آنسوی دریای چین، یعنی در شرق اوسط (عالم مثال) ساخته بود. مرکز افراسیاب نیز کنگ خوانده می‌شد، چراکه تقلیدی از شهر سیاوش

بود. افراسیاب جادوگری بود که در عالم مثال آمد و شدی داشت. وی برخلاف فرهمندانی مانند سیاوش و کیخسرو به مرتبه فوق عالم مثال که مرتبه عقلی است راه نداشت. وجود بهشت‌کنگ با زندگی ایلی تورانیان وفق ندارد و ویژگی تقلیدی بودن از نام آن نیز به‌خوبی آشکار است. درباره کنگ‌دژ سخنان بسیاری هست که در جای خود آورده خواهد شد.

سیاوش چو در پیش ایوان رسید سر طاق ایوان به کیوان رسید بیامد بر آن تخت زرین نشست هشیوار جان اندر اندیشه بست کاخ کنگ با رسیدن سیاوش به خود بالید و سر به فلک هفتم برآورد. سیاوش در آنجا به فکر فرو رفت. اندیشه او به‌جز تأسیس شهر «سیاوشگرد» نیست که از روی سرمشق شهر مثالی کنگ ساخته خواهد شد. وی از رژیم سیاسی ایران و توران، ناخشنود است و در فکر درانداختن طرحی نو است. بیا تا گل برافشانیم و می در ساغر اندازیم

فلک را سقف بشکافیم و طرحی نو دراندازیم
سیاوش در میدان چوگان با هفت یار ایرانی خود در برابر افراسیاب با هفت یار تورانی او قرار گرفت. افراسیاب با یک زخم چوگان، گوی را تا ابرها پرتاب کرد و هنوز گوی به زمین نرسیده بود که سیاوش ضربتی بر آن نواخت که به کلی از دیده‌ها ناپدید شد و محو گشت. وی گوی دیگر را چنان بزد که گویی به ملاقات ماه رفت. در متون پهلوی، کمترین پایه، پایه ابرهاست، پس ستاره پایه، سپس ماه پایه و سرانجام خورشید پایه. خورشید پایه از آن سیمرغ است و پایه سیاوش

همان ماه پایه است. سهروردی در لغت موران آورده است که ماه در وقت مقابله با خورشید که از او سراسر نور گرفته است «أنا الشمس» می‌گوید (بر وزن أنا الحق). هنگامی که پیران برای نخستین بار به پیشواز سیاوش می‌رفت، چهار پیل سپید را آراست که بر پشت یکی از آنها تخت فیروزه نهاده بودند و بر سر آن تخت، درفش بنفش رنگی زده بودند که بر فراز آن یک ماه زرین قرار داشت. این ماه زرین رمزی از شخصیت معنوی سیاوش به شمار می‌رود، چنانکه رنگ بنفش اشاره است به رنگ شب که مهتاب در آن نور می‌افشاند. در اینجا با یک «رمز» به معنی دقیق کلمه سر و کار داریم. حال آنکه تشبیهات شاعرانه یا همان صور خیال نیز در شاهنامه دیده می‌شود؛ فی‌المثل آنجا که فرنگیس، ماه است و سیاوش، خورشید. رودکی نیز ممدوح خود را به ماه آسمان و سرو بوستان تشبیه کرده است که این‌گونه صنایع ادبی را با رمز و تمثیل به معنی فنی کلمه نباید اشتباه کرد.

سیاوش که از سیمرغ روشنایی گرفته است در میدان هنرنمایی، قهرمانی خورشیدی است که در شش جهت پرتو می‌افشاند؛ با ضربه چوگان، گوی را به ماه پایه پرتاب کرد و با تیراندازی (نخست به سوی هدف و سپس با گردش بر دست راست) به جهات چهارگانه اصلی و سپس با ضربه شمشیر از بالا به پایین که گوری را طولا به دو نیم کرد، به همه نشان داد که سیمرغ روی زمین است. در این‌باره، سخن سهروردی را در تعبیر دوباره داستان رستم و اسفندیار به یاد آوریم.

جلسه هشتم

به پیشنهاد پیرانویسه، سیاوش با فرنگیس (فریگیس) دختر افراسیاب ازدواج کرد. پس از یکسال افراسیاب پیامی به سیاوش فرستاد که به زمین گسترده‌ای که تا مرز چین به تو بخشیده‌ام می‌توانی رفت و در هر شهر که دلخواه دوست اقامت می‌توانی کرد. سیاوش به همراهی پیران نخست به ختن رفت و تا یک ماه مهمان او بود و سپس به سوی قلمرو شهریاری خود حرکت کرد.

به جایی رسیدند کآباد بود یکی خوب فرخنده بنیاد بود به یک روی دریا و یک روی راه به یک روی بر کوه و نخجیرگاه درختان بسیار و آب روان همی شد دل سالخورده جوان سیاوش به پیران سخن برگشاد که اینت بر و بوم فرخ‌نهاد بسازم من ایدر یکی خوب‌جای که باشد به شادی مرا رهنمای برآرم یکی شارستان فراخ فراوان بدو اندر ایوان و کاخ نشستنگهی برفرازم به ماه چنان چون بود در خور تاج و گاه بدو گفت پیران که ای خوب رای بر آن رو که اندیشه آید به جای چو فرمان دهد من ازینسان که خواست

برآرم یکی جای با ماه راست نخواهم که باشد مرا بوم و گنج زمان و زمین از تو دارم سپنج سیاوش بدو گفت کای بختیار درخت بزرگی تو آری به بار مرا گنج و خوبی همه زان تست به هر جای رنج تو بینم نخست یکی شهر سازم بدین جای من که خیره بماند درو انجمن افراسیاب از سیاوش خواسته بود که یکی از شهرهای قلمرو خود را برای سکونت برگزیند، شهرهایی را که خود به تصرف درآورده بود، چنانکه قبایل و عشایر، روستاها و شهرها را در قبضه مالکیت خود درمی‌آورند. سیاوش نه سخن افراسیاب را قبول کرد و نه

سخن پیران را که از او خواست که ساختن شهر نو را به او واگذار کند. اندیشه ساخت شهر و نیز تحقق این طرح یک راز بزرگ است که به شخص انسان فرهمند مربوط است و نه به اشخاص دیگر. در پاره‌ای از نسخه‌های شاهنامه، سیاوش از ستاره‌شناسان درباره تأسیس شهر نو نظر خواست و آنها بنیاد چنین شهری را بدشگون و نامیمون دانستند. این ابیات خرافی از ملحقات شاهنامه به شمار می‌رود و سیاوش که خود از راز سپهر آگاه است نیازی به مشورت با رمالان ندارد. هنگامی که سیاوش و پیران سوار بر اسب راه می‌پیموندند، پیران متوجه شد که سیاوش سوگوار است و اشک گرم از دیده فرو می‌بارد.

عنان تکاور همی داشت نرم همی ریخت از دیدگان آب گرم بدو گفت پیران که ای شهریار چه بودت که گشتی چنین سوگوار؟ چنین داد پاسخ که چرخ بلند دلم کرد پردرد و جانم نژند که هر چند گرد آورم خواسته همان گنج و هم کاخ آراسته به فرجام یکسر به دشمن رسد بدی بد بُود، مرگ بر تن رسد که چون کنگ‌دژ در جهان جای نیست کنون شارستان زان‌نشان جای نیست مرا فر نیکی دهش یار بود خردمندی و بخت بیدار بود بدانسان یکی شارستان ساختم سرش را به پروین برافراختم کنون اندر این هم به کار آورم بر او بر فراوان نگار آورم چو خرم شود جای آراسته پدید آید از هر سوی خواسته نباید مرا شاد بودن بسی نشیند بر آن جای دیگر کسی نه من شاد مانم نه فرزند من نه پرمایه گردی ز پیوند من نباشد مرا زندگانی دراز ز کاخ و ز ایوان شوم بی نیاز شود تخت من گاه افراسیاب کند بی‌گنه مرگ بر من شتاب نخستین کسی که بر سیاوش

سوگواری کرد خود او بود که بر خود سوگواری کرد، ولی نه بر جزئیت خود، که بر مظلومیت حق و حقیقت و بر مهجوریت حریت و عدالت، چرا که سیاوش‌گرد پایگاه راستی و داد است که سرانجام به خارستانی بدل می‌گردد. گاه دیده می‌شود که مردمان سست‌عنصر و ضعیف به حال خود اشک می‌ریزند که این حالت از نارسایی خرد سرچشمه می‌گیرد. سیاوش که سرش روی زمین یا سیمرخ زمینی و یا خرد مجسم است از این‌گونه حالات سخت دور است، چنانکه در زمره دنیادوستانی نیز نیست که از خسارت‌های مالی و اقتصادی جَزَع و فَرَع می‌کنند و به زانو در می‌آیند. سیاوش را چشم‌اندازی است دوردست. او نخستین شهسواری است از سلسله مقدس شهسواران نور که به آینده تاریخ روی آورد و با پی افکندن سیاوش‌گرد حلول دوران نوی را اعلام داشت. در سخن او هراسی از مرگ دیده نمی‌شود. مرگ بر تن می‌رسد، نه بر روان. اشک او از این روان است که چرا شرارت بر بنیاد حق و عدل تاخت می‌آورد و آن را از میان برمی‌دارد (البته موقتاً). گریستن او از این است که ظلمات در روزگار چرا تا این درجه گسترده شده که حتی یک نقطه کوچک نور را نیز بر نمی‌تابند.

سیاوش بدو گفت کای نیک‌نام نبینم جز از نیک‌نامیت کام همه راز من آشکارای توست که بیداردل بادی و تندرست من آگاهی از فرّ یزدان دهم هم از راز چرخ بلند آگهم بگویم ترا بودنی‌ها درست از ایوان و کاخ اندرآیم نخست بدان تا نگویی چو بینی جهان که این بر سیاوش چرا شد نهان تو ای گرد پیران بسیار هوش بدین گفته‌ها پهن بگشای گوش فراوان بدین نگذرد روزگار که بی‌کام بیداردل شهریار شوم زار کشته آبر بی‌گناه کسی دیگر آراید این تاج و گاه تو پیمان همی داری و رای راست

گزارشی از جلسات نظام سیاسی اسلام

جلسهٔ چهل و چهارم: مستشرقین و اندیشهٔ سیاسی در اسلام

چهل و چهارمین جلسهٔ نظام سیاسی اسلام با عنوان «مستشرقین و اندیشهٔ سیاسی در اسلام» با سخنرانی دکتر فرج‌اله علی‌قنبری هیأت علمی پژوهشکده نظریه‌پردازی سیاسی و روابط بین‌الملل برگزار شد.

تحولات سیاسی و رویدادهای تاریخی نقش مهمی در شکل‌گیری روش‌ها، الگوها، مفهوم‌سازی‌ها و نظریه‌پردازی‌ها در علوم سیاسی و اجتماعی دارند و مطالعات اسلام و سیاست و همچنین مفاهیمی که در این حوزه از سوی پژوهشگران غربی به کار برده می‌شود از این امر مستثنی نمی‌باشد. اندیشهٔ سیاسی مسلمانان از اواخر نیمه اول قرن بیستم و در دوران جنگ سرد و با آثار مستشرقینی مانند هامیلتون گیب و آثار وی در حوزه تاریخ و تمدن اسلامی از جمله نظریات سیاسی مسلمان و همچنین مستشرقین دیگری مانند اروین روزنتال آغاز می‌گردد. آثار علمی این مستشرقین که به‌صورت کتاب و مقاله تدوین گردیده است و اثر او تحت عنوان «اندیشهٔ سیاسی مسلمان در دوره میانه»، منابع تحقیقاتی پژوهشگران در دهه‌های بعدی در حوزه‌های دین و سیاست و اندیشهٔ سیاسی مسلمانان می‌گردد.

شایان ذکر است که عبارت اسلام سیاسی و اسلام‌گرایی مکرر در رسانه‌های غربی (رادیو، تلویزیون، روزنامه‌ها)، سرفصل‌ها و متون درسی در سطوح مختلف آموزشی غرب، در کتب و مقالات علمی و طرح‌های پژوهشی مراکز تحقیقاتی آنها، در کنفرانس‌ها و نشست‌های بین‌المللی و اطاق‌های فکر و کرسی‌های نظریه‌پردازی به کار برده می‌شود. ولی تعریف دقیقی از این مفهوم ارائه و یا انگیزهٔ واقعی نظریه‌پردازان و تحلیل‌گران و مروجین این واژگان بیان نمی‌شود. اما قدر مسلم به کار بردن اسلام سیاسی از سوی مستشرقین/غربی‌ها با یک سوء تعبیر و نگرش منفی همراه می‌باشد و بیشتر به فعالیت‌ها و اندیشهٔ آن گروه از مسلمانانی اشاره می‌شود که با فرهنگ غرب و سیاست‌های تهاجمی و استعماری آن مخالف و درصدد مقابله با آن می‌باشد.

دانش افزائی دربارهٔ سایر ملل برای ایجاد گسترش مناسبات تجاری و فرهنگی و یا اغراض سیاسی و نظامی به‌عنوان یک ضرورت مورد توجه کلیهٔ دولت‌ها از قدیم‌الایام بوده است. از سوی دیگر، اگر چه پیروان ادیان مسیحی و یهودی از اوان ظهور اسلام، با مسلمانان و مبانی اعتقادی آنها آشنا بوده و مباحثات و مجادلات علمی و یا جنگ‌هایی بین آنها صورت گرفته است، اما مطالعات منسجم و هدفمند غرب در مورد اسلام و جوامع اسلامی از زمان گسترش امپراطوری اسلامی و تهدید اقتدار کلیسا و غرب از سوی مسلمانان

ولیکن فلک را جز اینست خواست
ز گفتار بدگوی و از بخت بد
چنین بی‌گنه بر تنم بد رسد
برآشوبد ایران و توران بهم
ز کینه شود زندگانی دُرم
پر از رنج گردد سراسر زمین
زمانه شود پر ز شمشیر کین

مطابق نظریه‌های معرفت معاصر، خبردادن از بودن‌ها، یعنی آنچه در آینده اتفاق خواهد افتاد ممکن نیست، حال آنکه بر پایهٔ حکمت اشراق انداز مُغیَّبات مُحال نیست. لازمهٔ آن اتصال به مبادی علوی است که سیاوش با برخورداری از پرورش سیمرغ و شاگردانش به این کمال دست یافته بود. طبق سخن سهروردی، فرّه ایزدی «اکسیر علم و قدرت» است. سیاوش به این اکسیر نائل شده بود.

«پرسش و پاسخ»

س: مدینهٔ فاضلهٔ کنگ از یک روی به کوه منتهی است، از روی دیگر به دریا و از روی دیگر به راه. معنی این رموز چیست؟

ج: کنگ رویی به شهرها و آبادی‌ها دارد، چراکه سرمشق تکوین هر شهر و آبادی خواهد بود. فیض از شهر محوری کنگ به همهٔ شهرها و روستاها می‌رسد. شارستان کنگ که بر دامن کوه نشسته و بر کنار دریا، یادآور آبشار فیض ناهیدی است که از قلّه البرزکوه بر دریای فراخکرد فرو می‌ریزد. کوه، رمز محور عالم است و کنگ‌دژ شهری محوری است که بر ارتفاعات، یعنی نقطه‌ای نزدیک به آسمان بنا شده است. دریا (چه فراخکرد و چه کیانسه) رمزی از قابلیت‌ها و استعدادهاست. کنگ‌دژ بر کرانهٔ قوه‌ها نهاده شده است، قوه‌هایی که آبستن فرداهای روشن است.

س: به نظر می‌رسد که ساختن یک شهر و بنا، کار چندان مهمی نباشد. کتاب بندهشن از بناهایی که جمشید و کاووس و حتی ضحاک و افراسیاب ساختند یاد کرده است.

ج: کنگ‌دژ با همهٔ بناها فرق دارد. آن ساخت‌وسازها در بهترین حالت نموداری از قدرت شهریاری بوده است و معانی بالابند شهر سیاوش را در هیچ‌یک از آنها نمی‌بینیم.

آغاز می‌شود. گسترش امپراطوری اسلامی تا مرزهای فرانسه و تسلط مسلمانان بر قسمت‌هایی از قاره اروپا، تهدیدی برای اقتدار و حاکمیت کشورهای مسیحی نشین تلقی شده و رهبران کلیسا و دنیای مسیحیت را علیه مسلمانان بسیج کردند. لذا اصحاب کلیسا با همکاری رهبران سیاسی و نظامی جنگ‌های صلیبی را به راه انداختند تا پیشرفت اسلام و مسلمین را متوقف کنند. که در نتیجه طی جنگ‌های طولانی (جنگ‌های صلیبی)، مسلمانان را به عقب راندند.

جنگ‌های صلیبی علاوه بر پیروزی‌های نظامی، پیامدهایی از نظر آشنایی جهان مسیحیت با پیشرفت‌های جدید علمی مسلمانان، پایه‌های گسترش دانش و صنعت غرب را در قرن‌های بعدی و تفوق و برتری آنها در تکنولوژی و فناوری و نیروی نظامی تضمین کرد. بعد از پیروزی نظامی، غربی‌ها آثار فرهنگی و علمی مسلمانان را مصادره کردند. غرب با توجه به برداشت دقیق خود از اسلام به عنوان یک آئین تمدن‌ساز با قابلیت توانائی گسترش نفوذ خود در سرزمین‌های مسیحی‌نشین، کلیه نیروهای خود را برای آشنایی با اسلام بسیج کرد تا رمز موفقیت مسلمانان در تشکیل امپراطوری اسلامی و پیشرفت‌های علمی و فناوری آنها را کشف کند. غرب همچنین با هدف ایجاد زمینه‌های رخنه و شکاف و تسلط بر سرزمین‌های اسلامی به مطالعه اسلام و جامعه اسلامی پرداخت و اجرای این مأموریت، به مستشرقین و مبلغین مسیحی به عنوان پیشقراولان این سیاست استعماری محول کرد. مطالعات این پژوهشگران غربی (مستشرقین) حاصل اتحاد بین اصحاب قدرت و صاحبان قلم در غرب برای مقابله با اسلام می‌باشد که با عنوان اسلام شناسی به راه می‌افتد و نتایج مطالعات آنها از سوی مراکز علمی و پژوهشی کشورهای غربی بصورت طرح‌ها و راه‌کارهای اجرایی، گزارش‌های دولتی، سفرنامه و خاطرات و یا کتاب تدوین و منتشر می‌گردد.

اهداف عمده مستشرقین، برای جستجوی حقیقت نیست بلکه در جهت گسترش سیاست‌های استعماری و تحقق اهداف کشورهای متبوع غربی می‌باشد که ضمن آشنایی با فرهنگ جوامع اسلامی زمینه‌های تزلزل و شکاف را بین مسلمانان ایجاد کنند. مستشرقین در طول تاریخ با توجه به حوزه تخصصی مطالعاتی خود از یک سو و نیازهای استعماری کشور متبوع و شرایط و تحولات تاریخی، به مطالعه ابعاد مختلف اسلام و جوامع اسلامی پرداخته و نظریاتی را ارائه و یا مفاهیمی را ابداع کرده‌اند. لذا بررسی مبانی و اصول اعتقادی اسلام، تبارشناسی تفکر اسلامی و نسبت آن با سایر ادیان و مذاهب- با تاکید بر یهود

و مسیحیت، و بحث‌های جدال برانگیزی مانند قرآن و اصالت آن، گسترش اسلام، جنگ‌های پیامبر، اسلام دین شمشیر، زندگی و زنان پیامبر، زن و اسلام و ... از مباحث مناقشه‌آمیزی است که موارد توجه مستشرقین و پژوهش‌های آنها در مورد اسلام می‌باشد.

در اواخر قرن بیستم، با پیروزی انقلاب اسلامی، تحول عمده‌ای در مطالعات اسلامی در غرب پدید آمد. یعنی در حالیکه مدرنیته، لیبرالیسم و دموکراسی به‌عنوان الگوی ایده‌آل پیشرفت و توسعه معرفی می‌گردید و پژوهشگران علوم اجتماعی عصر دین زدایی و سکولاریسم را پیش بینی می‌کردند، در ناباوری تمام، در کشوری که به‌زعم آنها یک دولت آزاد، مستقل و در لوای مدرنیته و سکولاریسم به دروازه‌های تهران نزدیک می‌شود، انقلابی به‌نام اسلام پیروز و موجب استقرار حکومت اسلامی می‌گردد. این پدیده غیر قابل پیش‌بینی از سوی غرب باعث شگفتی جامعه غربی گردید و آنها را نسبت به بازنگری اطلاعات خود در مورد اسلام و سیاست بطور اعم و اندیشه سیاسی در اسلام (اندیشه سیاسی متفکران مسلمان) را بطور اخص جلب کرد. هدف از تحقیق و تتبع در این حوزه از سوی پژوهشگران غربی، در وهله اول آشنائی با زیربنای دینی، اسلامی حکومت اسلامی و همچنین ابعاد مختلف آن می‌باشد. و سپس با علم و آگاهی نسبت به تقابل/ تعامل با آن اقدام نمایند. تا پیروزی انقلاب اسلامی، در حوزه اندیشه سیاسی در اسلام و یا صحیح‌تر بیان کنیم، نظریات سیاسی اندیشمندان مسلمان پژوهش‌های عمده‌ای انجام نشده است. لذا برای تدریس این دروس در دانشگاه‌ها و یا به تبع آن برای تدوین این چنین دروسی به متون انگلیسی روی آوردند. و متأسفانه پژوهشگران ایرانی نظریه آثار و نظریات مستشرقین را بدون ارزیابی محققانه ترجمه و عیناً بعنوان کتب درسی رسمی پذیرفته و در دانشگاه‌های ایران تدریس کردند. حال آنکه در یک تحلیل و مطالعه دقیق و بررسی تبارشناسی این آثار، عناد این نویسندگان غربی نسبت به اسلام و بی‌پایگی الگوها و نظریاتی که در این کتب ترویج می‌دهند قابل تأمل می‌باشد.

در اثبات این ادعا می‌توان به بخش‌هایی از کتب مستشرقینی که کاملاً در تضاد با آموزه‌های اسلامی می‌باشد از یک‌سو، و عدم توجه مترجمین ایرانی مسلمان در برگردان این آثار به فارسی بدون هیچ‌گونه اظهار نظر از سویی دیگر اشاره کرد. این سخنرانی تأکید نمود که شگفت‌انگیزتر اینکه این مترجمین تحت تأثیر این آثار قرار گرفته و نظریات مستشرقین را پذیرفته و مورد تمجید قرار داده‌اند.

جلسهٔ چهل و پنجم

چهل و پنجمین جلسهٔ پژوهشکده نظریه‌پردازی سیاسی و روابط بین‌الملل با عنوان: «مناسبات جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی؛ حرکت به سوی تقابل یا تعامل» با سخنرانی دکتر حمیدرضا اکبری و اعضای پژوهشکدهٔ نظریه‌پردازی سیاسی و روابط بین‌الملل و دیگر اساتید و صاحب‌نظران در اسفندماه برگزار شد.

اهم اظهارات دکتر اکبری به شرح زیر می‌باشد:

ما در نظریهٔ سازهانگاری Constructivism بحث مهمی داریم تحت این عنوان که در سطح کلان روابط بین‌الملل سه نوع ساختار اصلی می‌تواند وجود داشته باشد و دولت‌ها با توجه به نوع نقش‌هایی که دارند، در این نظام مسلط هستند. این سه ساختار عبارتند از: دشمنی، رقابت و دوستی. لذا آنارشی به مثابهٔ ظرف خالی و فاقد منطق ذاتی است و به تبع ساختاری که ما درون آن قرار می‌دهیم، منطق پیدا می‌کند. به این اساس سه منطق یا فرهنگ بر اساس ساختار مذکور عبارتند از: منطق هابزی، منطق لاکی و منطق کانتی. منطق هابزی بر اصل دشمنی استوار است. دشمن چه واقعی باشد چه خیالی، هنگامی که کنشگران آن را واقعی بدانند، پیامدهای واقعی خواهد داشت. در این منطق، بازنمایی دیگری به عنوان دشمن حداقل ۴ پیامد برای رفتار سیاست خارجی یک دولت دارد: ۱- واکنش دولت‌ها نسبت به دشمن عمیق است. علی‌رغم اینکه آن دولت به دنبال حفظ وضع موجود است، اما تهدید دشمن او را وادار می‌کند که به شکل تجدید نظر طلبانه عمل کند. ۲- تصمیم‌گیری همراه با ارائه تصویر بد از آینده است. لذا احتمال همکاری در مقابل حرکات مسالمت‌آمیز کاهش می‌یابد. ۳- توانمندی نظامی نسبی بسیار مهم خواهد بود. ۴- در شرایط جنگ، مرزی در کنترل خشونت نمی‌توان قایل شد. به نظر می‌رسد عربستان سعودی در فضای بین‌المللی موجود رفتار سیاست خارجی خود را بر این منطق استوار کرده است و برون داد سیاست خارجی عربستان چنین مساله‌ای را نشان می‌دهد.

اگر نگاهی به مؤلفه‌های تأثیرگذار در سه سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی که رفتار سیاست خارجی عربستان را تشکیل می‌دهند نگاهی بیاندازیم، می‌بینیم عربستان در هر سطح تهدیدات مهم و فعالی را درک یا تصور می‌کند و واکنش این کشور نسبت به این تهدیدات خشن و ماجراجویانه است. عربستان هم در حوزهٔ داخلی و هم در حوزهٔ منطقه‌ای و هم در حوزهٔ بین‌المللی احساس می‌کند ثبات گذشته در حال فروریختن است و اتفاقاً در هر سه سطح احساس می‌کند جمهوری اسلامی ایران مهمترین تهدید امنیتی این کشور به شمار می‌رود، لذا جمهوری

اسلامی را دشمن خود فرض می‌کند و با این اقدام سعی می‌کند ضمن تهدیدزدایی از سوی دشمن، بازایی ثبات و اسقرار داشته باشد. در سطح داخلی: ایران به واسطه نفوذ در حج، جامعه شیعیان، ارائه الگوی حکومت اسلامی، نظام مردم سالار و انقلابی و... تهدیدی برای هویت سعودی‌ها در داخل این کشور محسوب می‌شود.

در سطح منطقه‌ای: حمایت ایران از جریان‌های اسلامی، تحول خواه و انقلابی، جبهه مقاومت، نفوذ بر مسلمانان، گسترش عمق استراتژیک و موقعیت ممتاز ژئوپلیتیک... همواره منافع منطقه‌ای سعودی‌ها را با تهدید مواجه می‌کند.

در سطح بین‌المللی: ایران با نزدیک شدن به روسیه، تشکیل اوپک گازی، حل مساله هسته‌ای و نزدیکی به اروپا، بازتولید مشروعیت تاریخی و مذهبی و... سعودی را با تنگنای استراتژیک مواجه می‌کند.

اساتید و صاحب‌نظران حاضر در جلسه نیز نکاتی را مطرح کردند که اهم آن عبارتند از:

۱. تهدیدات و فضای برشمرده برای عربستان فضای جدیدی نیست و سیاست عربستان همواره ثابت بوده است. در نظام حکومتی عربستان نیز اتفاق تازه‌ای نیافتاده، لذا فضای فعلی روابط با سعودی‌ها را باید در تداوم فضای سابق جستجو کرد و به راه حل رسید.

۲. منطق سیاست خارجی سعودی‌ها هابزی و دشمنی نیست بلکه بیشتر رقابتی است.

۳. بحث سیاست خارجی را نمی‌توان احساسی و تقابلی یا تعاملی فرض کرد، بلکه عرصهٔ آن منافع و مصالح است. از این منظر ایران و سعودی‌ها زمینه و مشترکات زیادی برای همکاری دارند که می‌توان روی آنها تمرکز کرد مانند: نفت، حج سازمان همکاری اسلامی و... لذا اگر فضای کنونی مدیریت شود، مشکلات پیش آمده نیز حل و فصل خواهد شد.

۴. پیروزی انقلاب اسلامی در تعیین صورت‌بندی سیاست خارجی عربستان نقش مهمی داشته است. ضمن اینکه در مواضع سعودی‌ها، خرد سیاسی مشاهده نمی‌شود. همچنین در تحلیل رفتار سیاست خارجی عربستان نقش و نفوذ قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را نباید نادیده گرفت.

در پایان به این نکته اشاره شد که با توجه این که در این جلسه صرفاً رفتار سیاست عربستان سعودی مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت، لذا لازم است در جلسه‌ای جداگانه، رفتار سیاست خارجی ایران نیز مورد تجزیه تحلیل قرار گیرد تا بتوان راهکارهای اجرایی جامع و کامل‌تری را ارائه داد.

دیدار نوروزی



«شاخص شکنندگی دولت‌ها و رابطه آن با امنیت ملی»

گروه پژوهشی امنیت و جامعه کرسی شاخص‌سازی با موضوع «شاخص شکنندگی دولت‌ها و رابطه آن با امنیت ملی» با ارائه مهندس آذری، روز سه‌شنبه ۲۴ فروردین در سالن اندیشه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار کرد. در این جلسه مهندس آذری به بررسی شاخص دولت‌های شکننده پرداخت و گفت: شاخص دولت‌های شکننده توسط بنیاد صلح امریکا هر ساله اعلام می‌گردد. این شاخص پیش از این شاخص دولت‌های شکست خورده نام داشته است. اصطلاح دولت‌های شکست خورده به دولتهایی اطلاق می‌گردد که از لحاظ انحصار قدرت مشروع با ناتوانایی‌هایی مواجه بوده‌اند. شاخص‌های شکنندگی خود منقسم بر دو گروه شاخص‌های نظامی- سیاسی و شاخص‌های اقتصادی- اجتماعی است. در شاخص‌های سیاسی و نظامی مواردی از قبیل میزان مشروعیت حکومت، حقوق بشر و حاکمیت قانون، خدمات عمومی، اختلافات سیاسی در میان نخبگان حاکم و مداخله نظامی مورد سنجش قرار می‌گیرند و در شاخص‌های اقتصادی-

اجتماعی مواردی از قبیل فشارهای جمعیتی، فقر و ناتوانی اقتصادی، اختلافات قومی، فرار مغزها، فساد اقتصادی و توسعه نامتوازن مورد بررسی قرار می‌گیرند. در نتایج حاصله از بررسی شاخص شکنندگی عمدتاً کشورهای فنلاند و نروژ بهترین و کشورهای سودان و سومالی بدترین وضعیت را داشته‌اند. کشورهای بررسی شده به ترتیب در گروه‌های مختلف قرار می‌گیرند که این گروه‌ها تحت عناوینی مانند اخطار بسیار شدید، اخطار شدید، اخطار، هشدار بسیار جدی و... دسته‌بندی میشوند و از آنجایی که ایران عمدتاً ذیل عنوان هشدار بسیار شدید قرار داشته است لذا سیاست‌سازان و سیاست‌گزاران باید نقطه‌های آسیب‌پذیری را شناسایی نموده و در صدد رفع آنها برآیند. در ادامه برخی از حضار از جمله دکتر محمد علی مینایی، مدیر جلسه، میزان دقت در شاخص‌های مذکور را محل بحث دانستند و در پایان مهندس آذری نیز ضمن صحنه گذاشتن بر کاستی‌های محتمل در مجموع، شاخص‌ها را دارای دقت قابل قبولی ارزیابی نمودند.



انالله و انا اليه راجعون

سرکار خانم فرشته میرخشتی
مصیبت وارده درگذشت پدر بزرگوارتان را تسلیت
عرض کرده، از خدای سبحان، برای ایشان علو درجات
و برای جنابعالی و خانواده محترم صبر جمیل و اجر
جزیل مسألت داریم.
روابط عمومی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات
فرهنگی



انالله و انا اليه راجعون

جناب آقای دکتر مالک شجاعی جشقانی
مصیبت درگذشت والدۀ گرامی جنابعالی را تسلیت
عرض کرده، از خدای سبحان، برای ایشان علو درجات
و برای جنابعالی و خانواده محترم صبر جمیل و اجر
جزیل مسألت داریم.
روابط عمومی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات
فرهنگی

«بررسی ابعاد سیاسی - اجتماعی اقتصاد مقاومتی»

توسعه جامعه اسلامی است. نکته مهم دیگر نظریه‌های رقیب اقتصاد مقاومتی است. اگر بخواهیم اقتصاد مقاومتی را به عنوان یک نظریه یا راه حل مطرح کنیم باید نظریه‌های رقیب مثل اقتصاد جنگ، اقتصاد ریاضتی، اقتصاد بازار، اقتصاد سوسیالیستی و ... را نیز بررسی کنیم و مقایسه‌ای نیز در این موارد صورت پذیرد. همچنین باید به نقدهایی که از سوی رقیبان مطرح می‌شود نیز توجه شود.

در ادامه یکی از اساتید ادامه دادند: بحران اقتصادی که در کشور وجود دارد ممکن است به سایر بخش‌ها نیز تسری پیدا کند. ما می‌خواهیم اقتصاد قدرتمند داشته باشیم یعنی اطمینان داشته باشیم بحرانی بوجود نمی‌آید و به بخش‌های دیگر منتقل نمی‌شود. یکی از اساتید اظهار داشتند که مفهوم اقتصاد مقاوم و اقتصاد مقاومتی با هم تفاوت دارند. اقتصاد مقاومتی مفهومی درازمدت، اخلاقی و فرهنگی است در حالی که اقتصاد مقاوم وجه عاجلی دارد که راه حل ارائه دهد. اقتصاد مقاوم همیشه مشروع است ولی در اقتصاد مقاومتی به دلیل اینکه طلب اخلاقی دارد بحث مشروعیت مطرح است. بنابراین به نظر می‌رسد این دو مفهوم متفاوت هستند. یکی از اساتید در خصوص وجه اقتصادی اقتصاد مقاومتی بیان داشتند: اقتصاد مقاومتی در کشورهای توسعه یافته هم مرسوم است و منظور از مقاومت، مقاومت در برابر تکان‌ها و شوک‌های خارجی است. مقاومت یعنی شوک وارد شده از بیرون را که منجر به تهدید شده تبدیل به فرصت کنیم و این مسئله در سخنان رهبری نیز انعکاس داشته است. یعنی در فضای بین‌الملل رصد شود که چه شوک‌هایی وجود دارد. کشورهای توسعه یافته تحولات علوم و تکنولوژی در عصر حاضر را شوک تلقی می‌کنند. مقوله تبدیل تهدید به فرصت مقوله بسیار مهمی است که ابتدا شناخت شوک‌ها و سپس تبدیل تهدید به فرصت باید مورد نظر قرار گیرد.

پژوهشکده نظریه‌پردازی سیاسی و روابط بین‌الملل چهل و هفتمین و اولین نشست علمی خود را در سال جدید با عنوان «بررسی ابعاد سیاسی - اجتماعی اقتصاد مقاومتی» در روز دوشنبه ۲۴ فروردین ۹۵ در محل پژوهشکده برگزار کرد. انتخاب این موضوع، استقبال علمی از پیام نوروزی مقام معظم رهبری است. در ابتدای جلسه ریاست پژوهشکده ضمن خیر مقدم و عرض تبریک سال نو مطالبی را بیان کرد، از جمله آن که بدلیل وضع اقتصادی خاص و رکود توأم با تورم که نگرانی‌های زیادی را دربردارد و رهبری نیز امسال را سال اقتصاد مقاومتی، اقدام و عمل نامیدند، پژوهشکده نظریه‌پردازی سیاسی و روابط بین‌الملل می‌تواند به بررسی و تبیین ابلاغیه سیاست‌های اقتصاد مقاومتی بپردازد. نکته مهم این است که مشکلات اقتصادی جامعه را قابل حل بدانیم و همچنین راه ابتکارات درونی، ملی و بومی را در این جهت هموار سازیم. اقتصاد مقاومتی نه اینکه راه حلی مقطعی برای خروج از رکود فعلی باشد بلکه به نظر می‌رسد برنامه‌ای دراز مدت است که تغییرات انقلابی را در نظم اقتصاد کشور به دنبال دارد. در ادامه هر یک از اعضا به بیان دیدگاه‌های خود پرداختند و یکی از اساتید بیان داشت که اقتصاددانان در کشور تعریف مشخصی از اقتصاد مقاومتی ندارند. رهبری کدهایی را در مورد چپستی اقتصاد مقاومتی داده‌اند ولی برنامه منظمی وجود ندارد. تأکید بر درون‌زا بودن، تأکید بر توانمندی و پتانسیل ملی، تولید ملی و در عین حال برون‌زا بودن و ارتباط فعال با جهان خارج از جمله آنهاست. اقتصاد مقاومتی زمینه‌های سیاسی - اجتماعی خودش را دارد. رهبری در سخنان خود از اقتصاد مقاومتی به عنوان یک مفهوم مشترک یاد می‌کنند. مفهومی که می‌توانیم از طریق آن با جریانات و گرایش‌های مختلف ارتباط برقرار کنیم و به اهداف مشترک برسیم و آن مقوله پیشرفت و

انتصاب

دکتر حسینعلی قبادی سرپرست پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در حکمی دکتر آریتا افراشی را به عنوان دبیر هیأت ممیزه منصوب کرد.



کارگاه آموزشی: شرح غزلیات مولانا

مدرس: استاد کریم زمانی

تاریخ شروع دوره: ۲۱ اردیبهشت ۹۵

روز برگزاری: سه‌شنبه‌ها

مدت زمان دوره: ۳ جلسه

هزینه ثبت نام: ۶۰۰۰۰۰ ریال

دانشجویان و اعضای هیأت علمی: ۵۰۰۰۰۰ ریال



کارگاه آموزشی: مرجع‌شناسی زبان و ادبیات فارسی (کهن و معاصر)

مدرس: دکتر ابوالقاسم رادفر

تاریخ شروع دوره: ۲۰ اردیبهشت ۹۵

روز برگزاری: دوشنبه‌ها

مدت زمان دوره: ۵ جلسه

هزینه ثبت نام: ۱۲۰۰۰۰۰ ریال

دانشجویان و اعضای هیأت علمی: ۱۰۰۰۰۰۰ ریال



کارگاه آموزشی: فن ترجمه از عربی به فارسی و بالعکس

مدرس: دکتر صالح زمانی

تاریخ شروع دوره: ۱۸ اردیبهشت ۹۵

روز برگزاری: شنبه‌ها

مدت زمان دوره: ۶ جلسه

هزینه ثبت نام: ۸۰۰۰۰۰ ریال

دانشجویان و اعضای هیأت علمی: ۶۰۰۰۰۰ ریال

مدیرمسئول: سیدمحسن علوی‌پور

سر دبیر: حوریه احدی

هیأت تحریریه: سمانه خودچانی، محسن باباخانی، شهرام اصغری و سیدفرزاد حسینی

www.iwcs.ac.ir * ravabet@iwcs.ac.ir

